

مطالعه فرم، نقش و کاربرد تبرزین‌های دوره قاجار*

فرشته اداک*

آرزو خانپور**

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۹/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۵/۲۲

چکیده

پیشینه استفاده از فلز در ساخت اسلحه به دوران پیش از تاریخ برمی‌گردد. در هر دوره تاریخی به فراخور مواد اولیه در دسترس و شیوه‌های ساخت، فناوری ساخت سلاح‌ها نیز تغییر نمود. در دوره قاجار به جهت هم‌زمانی با انقلاب صنعتی استفاده از سلاح‌های گرم متداول بود و سلاح‌های سرد به صورت محدود با کاربرد نمادین و تشریفاتی تولید و استفاده می‌گردیدند. تبرزین‌ها گروهی از سلاح‌های سرد دوره قاجار محسوب می‌شوند که نقش و فرم آن‌ها دارای تنوع و گستردگی بسیار است. این مقاله در صدد پاسخ به این پرسش است که چگونه می‌توان تبرزین‌های قاجار را از نظر فرم و نقش طبقه‌بندی نمود و این آثار دارای چه کاربردی بوده‌اند؟ از این‌رو هدف این مقاله، مطالعه و طبقه‌بندی فرم، نقش و کاربرد تبرزین‌های دوره قاجار است. این پژوهش بر مبنای هدف از نوع کاربردی و از منظر ماهیت و روش، توصیفی - تحلیلی است. گردآوری اطلاعات این مقاله به شیوه کتابخانه‌ای و میدانی صورت گرفته است. نتایج بررسی ۱۶ نمونه از تبرزین‌های دوره قاجار نشان می‌دهد که همه آثار مورد مطالعه از جنس فولاد هستند که به شیوه ریخته‌گری ساخته شده‌اند و در تزیین آن‌ها اغلب از فنون قلمزنی، طلاکوبی، و حکاکی استفاده شده است. تبرزین‌های دوره قاجار براساس فرم به چهار گروه تبرزین با تیغه دو لبه؛ تبرزین با تیغه یک‌لبه و یک سر چکشی؛ تبرزین با تیغه یک‌لبه و یک سر شبیه اژدها؛ و تبرزین با تیغه یک‌لبه و یک سر شبیه تاج تقسیم می‌گردند. نقوش تبرزین‌ها را می‌توان در سه گروه شامل نقوش گیاهی، هندسی (شامل گل و برگ، ترنج‌ها و انواع خطوط و کادرهای هندسی)؛ نقوش کتیبه‌ای (ازجمله عبارات عربی، شعر فارسی و یا برخی عبارات فارسی شامل نام سفارش‌دهنده اثر)؛ نقوش انسانی، حیوانی (شامل پیکره‌های انسانی و حیوانات مختلف مثل شیر، مار، و یا دو پرنده که صورت آنان رو به یکدیگر است) جای داد. تزیینات مجلل این تبرزین‌ها نشان می‌دهد که این آثار بیش‌تر کاربرد نمادین و تشریفاتی داشته‌اند.

کلیدواژه‌ها:

فلزکاری قاجار، تبرزین‌های دوره قاجار، فرم و نقش تبرزین، سلاح سرد، سلاح‌های قاجار

* این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد نگارنده اول با عنوان «مطالعه فرم و نقش تبرزین‌های دوره قاجار جهت طراحی و ساخت زیورات» است که به راهنمایی نگارنده دوم در دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران (نویسنده مسئول) / fereshtehadak95@gmail.com

* کارشناسی‌ارشد هنر اسلامی، گروه فلز، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران (نویسنده مسئول) / a.khanpour@tabriziau.ac.ir

** استادیار، گروه شیشه، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران / a.khanpour@tabriziau.ac.ir

۱. مقدمه

تبریزین‌ها گروهی از سلاح‌های سرد هستند که نقش و فرم آن‌ها دارای تنوع بسیاری است. فرهنگ لغت دهخدا، تبر را ابزاری فولادی با میل چوبی توصیف می‌کند که می‌توان از آن برای خردکردن چوب و درخت استفاده کرد و تبرزین را سلاحی معرفی می‌کند که در میدان جنگ استفاده می‌شده است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۶۳۵۹). تبرزین نوعی تبر تیغه‌دار و برنده و ازجمله ابزار جنگی محسوب می‌شود که لبه‌های تیز آن ضربات برنده و درهم شکننده به سر، گردن، دست، پهلوی و پاهای دشمن وارد می‌کند و قدرت از هم شکافتن زره دشمن را داشته است. در دوره قاجار تبرزین هم‌چون تبر بیش‌تر به‌عنوان ابزار نمادین همراه درویشان مورد استفاده قرار می‌گرفت (قاسمی، ۱۳۹۶: ۲۶۳). به نظر می‌رسد در این دوره با توجه به تأکید بر تربینات و تنوع فرمی تبرزین‌ها، کاربرد این آثار دچار تحولاتی گردیده است و نمونه‌های مورد مطالعه در پژوهش حاضر با این رویکرد بررسی می‌شوند. مطالعه تحولات کارکردی این نوع از سلاح در دوره‌ای از تاریخ که استفاده از سلاح‌های سرد رو به فراموشی است می‌تواند دلایل پابستگی و ماندگاری این آثار را تبیین نماید. مقاله حاضر در صدد پاسخ به این پرسش است که چگونه می‌توان تبرزین‌های قاجار را از نظر فرم و نقش طبقه‌بندی نمود و این آثار دارای چه کاربردی بوده‌اند؟ طبقه‌بندی فرم و نقش این تبرزین‌ها در جهت حفظ و احیای فرم و نقوش به کار رفته در آن‌ها ضرورت و اهمیت می‌یابد. از این‌رو هدف این مقاله، مطالعه و طبقه‌بندی فرم، نقش و کاربرد تبرزین‌های دوره قاجار است. در این پژوهش، ۱۶ تبرزین مربوط به دوره قاجار محفوظ در موزه‌های ایران و جهان به روش نمونه‌گیری ترجیحی هدفمند بررسی شده‌اند. این مقاله از منظر هدف از نوع کاربردی و بر اساس ماهیت و روش، توصیفی - تحلیلی است. گردآوری اطلاعات پژوهش به شیوه کتابخانه‌ای و میدانی و بر پایه تحلیل منطقی و بصری نویسندگان استوار شده است. در بخش میدانی از روش مشاهده شواهد بصری مبتنی بر شیوه ساخت اثر استفاده گردید که در متن پژوهش در قالب جدول به تفصیل بدان اشاره شده است.

۲. پیشینه پژوهش

در پژوهش حاضر صرفاً به بررسی تبرزین‌های قاجار پرداخته می‌شود و سلاح‌های سرد دوره قاجار موضوع اصلی این تحقیق نیست. در خصوص سلاح‌های سرد به‌ویژه تبرزین‌های دوره قاجار اطلاعات متنوعی در سه گروه کتاب، مقاله و پایان‌نامه موجود است. مهم‌ترین پژوهش در این زمینه نوشته منوچهر مشتاق خراسانی (۲۰۰۶) است که به مطالعه جنگ‌افزارهای ایران از دوره مفرغ تا پایان دوره قاجار پرداخته است. وی در این کتاب توجه خاصی به فرهنگ و تمدن ایران معطوف داشته و هم‌چنین از آثار هنری دوره‌های مختلف ازجمله نگاره‌ها، مجسمه‌ها و نقش برجسته‌ها برای مطالعه جنگ‌افزارها استفاده نموده است. پژوهش بلا کلینی و ایوان سانتو (۱۳۹۴) نیز از اصلی‌ترین منابع در این حوزه به‌شمار می‌رود که به بررسی چند نمونه از تبرزین‌های دوره قاجار پرداخته است. تادئوش مایدا (۱۳۹۲) نیز در کتاب شاهکارهای هنر ایران در مجموعه‌های لمستان به چند نمونه از این تبرزین‌ها اشاره دارد. بشیر محمد (۲۰۰۸) در کتاب هنر جنگاورهای مسلمان، تعدادی از سلاح‌های دوره اسلامی را مورد بررسی قرار داده است. دیوید آکساندر (۲۰۱۶) بیش از ۱۲۰ نمونه از سلاح‌ها و زره‌های اسلامی از مجموعه متروپولیتن را مورد بررسی قرار داده است. هم‌چنین آکساندر (۱۳۸۷) در بخشی از مجموعه هنر اسلامی، به بررسی و تحلیل انواع سلاح‌ها و ابزارهای نظامی در دوره‌های تاریخی و در فرهنگ‌های مختلف پرداخته است. پوپ و اکرم (۱۳۸۷) نیز در کتاب سیری در هنر ایران از دوران پیش از تاریخ تا امروز، به بررسی تاریخ هنر ایران ازجمله فلزکاری و سلاح‌های مورد استفاده می‌پردازند. پرستو قاسمی (۱۳۹۶) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خویش با عنوان «بررسی و طبقه‌بندی سلاح‌های سرد تهاجمی دوره قاجار در قالب کاربرد، فرم، نقوش و فنون تزئینی با تأکید بر نمونه‌های شاخص» به بررسی فرم، نقش و فنون تزئینی این آثار پرداخته است.

۳. بررسی سلاح‌های سرد دوره قاجار

پیش از قرن هفدهم میلادی، سلاح‌ها و ادوات جنگی حائز ویژگی‌هایی والا اما از نظر تعداد بسیار نادر هستند و از سوی دیگر محصولات سده‌های هفدهم تا نوزدهم میلادی، هرچند فراوان هستند ولی اغلب کیفیتی نازل دارند و از مواد گوناگونی ساخته شده‌اند (آکساندر، ۱۳۸۷: ۷). در این دوره صنعت فلزکاری در ایران به سوی ضعف و نابودی رفت، چون صنعتگران از مرغوبیت جنس و دقت کار صرف‌نظر کرده و به تزئین مصالح و سایر ابزارهای فلزی پرداختند. در دوره قاجار به علت تمایل زیاد به اشیای زینتی و بدون مصرف که فقط جنبه نمایشی داشتند و با رواج هنرهای تزئینی هم‌چون پوشش طلا و نقره روی بدنه‌های آهنی، مسی، برنجی و نقره‌ای به‌شکل هنرهایی چون زر و نقره نشان‌کردن، طلاکوبی

و نقره‌کوبی اشیاء، قلمزنی، حکاکی، میناکاری، منبت‌کاری، عملاً تولیدات آهنی مهم آن زمان ازجمله تیر و تفنگ، شمشیر، خنجر، سپر، کلاه‌خود و آلات و ابزار صنعتی به مرور جنبه تزئینی پیدا کردند و به دلیل عدم کنترل مرغوبیت آن‌ها، نه‌تنها موقعیت جهانی خود را از نظر کاربردی از دست دادند بلکه از نظر هنری نیز بی‌ارزش شده و جنبه بازاری پیدا کردند. در نتیجه کارگاه‌های تولید فلزات پیشرفت و توسعه‌ای نیافتند و به مرور زمان رو به نابودی رفتند (قاسمی، ۱۳۹۶: ۷۹).



تصویر ۳: گرز دیوسر، ایران، طول: ۱۰۹ سانتی‌متر، محفوظ در موزه هنرهای آسیای شرقی فرنتس هوپ (کلنی و سانتو، ۱۳۹۴: ۲۴۴)



تصویر ۲: خنجر، ایران، طول: ۳۵/۸ سانتی‌متر، محفوظ در موزه متروپولیتن نیویورک (Alexander, 2016: 222)



تصویر ۱: شمشیر غلافدار، ایران، طول: ۹۸ سانتی‌متر، محفوظ در خزانه سلاح موزه ملی مجارستان (کلنی و سانتو، ۱۳۹۴: ۲۵۵)

با وجود انحطاط سریع و فقدان ذوق صنعتی در این دوره، همواره استعداد و ذوق صنعتی طبیعی در بین ایرانیان باقی مانده‌است و شاید بتوان مهم‌ترین عامل جلوگیری از رکود کامل صنعت فولاد را سنن مذهبی ایران به‌ویژه تعزیه به‌حساب آورد که در آن شماری از سلاح‌ها ازجمله شمشیر، کلاه‌خود، سپر و ساعدبند نقش عمده دارند (آلن، ۱۳۸۱: ۱۵). فولاد ازجمله آلیاژهای مورد علاقه صنعتگران و هنرمندان دوره قاجار بود و در ساخت انواع وسایل روزمره و تزئینی ازجمله قاب‌آینه، انواع قفل‌ها، علم و انواع سلاح‌ها به‌کار گرفته می‌شد. با واردات روزافزون کالاهای ماشینی و جدید خارجی در قرن ۱۳ ه.ق دوران افول صنعت فولادسازی در ایران آغاز گردید. فولاد جوهردار با اضافه‌کردن ترکیبات آهن و حرارت‌دادن آن در بوته و ذوب آن ساخته می‌شد. ماده جامدی که پس از سرد شدن به‌دست می‌آمد، فولاد آبدیده، فولاد جوهردار، یا فولاد گوهر نامیده می‌شد (قاسمی، ۱۳۹۶: ۸۰).

شمشیر، محبوب‌ترین جنگ‌افزار سنتی ایرانیان به‌شمار می‌رود (تصویر ۱). نخستین شمشیری که در هر فرهنگی دیده می‌شود نوعی است که آشوریان به‌کار می‌بردند و از یک تیغ کوتاه و دولبه سبک قبضه و محافظ راستی تشکیل شده، و این سلاح ایرانیان نخستین هم بود (پوپ و اکرم، ۱۳۷۸، ج. ۶: ۲۹۷۱). شمشیرهای دوره قاجار با توجه به کاربردهای متفاوتی که در میدان جنگ و شکار، مهمانی‌ها و مراسم تشریفاتی داشتند، از ویژگی‌های متمایزی برخوردار بودند. بنابراین شمشیرهای دوره قاجار را از نظر جایگاه کاربرد آن‌ها می‌توان به دو دسته شمشیرهای جنگی و تشریفاتی - نمادین طبقه‌بندی کرد. به احتمال بسیار زیاد، شمشیرهای جنگی چون برای استفاده در میدان نبرد و با صرف هزینه کم‌تری ساخته می‌شدند، نیازی به تزیینات مجلل و فاخر نداشتند (قاسمی، ۱۳۹۶: ۸۳).

خنجرهای متنوعی در ایران تولید می‌شدند (تصویر ۲). هرچند این سلاح‌ها بسیار کوچک‌تر از شمشیر بودند، کارایی بیش‌تری در پیکارها داشته و مخفی‌کردنشان نیز راحت‌تر بود. با آن‌که خنجرها در آغاز تیغه‌ای راست و کوتاه داشتند، با رواج رو به رشد شمشیرهای کج، تیغه آن‌ها نیز انحنای بیش‌تری یافت. خنجرهای دوره قاجار دسته‌ای به شکل I دارند که از دندان یا عاج و گاهی از برخی فلزات قیمتی ساخته می‌شدند. تیغه میان‌پر آن‌ها به شدت انحنایافته است. تزیینات آن‌ها را طوری طراحی می‌کردند که مرتبه اجتماعی صاحبشان را نمایان کند (کلنی و سانتو، ۱۳۹۴: ۸۵).

گرز، سلاحی ساده، موثر و مناسب برای شکستن کلاه‌خود و زره سخت دشمن در جنگ بوده‌است و به‌عنوان سلاح زره‌شکن شناخته می‌شود. در ردیف جنگ‌افزارهای کوبشی و ضربتی، گرز علاوه بر این‌که به نشانه‌شن و قدرت به‌کار می‌رفته، نقش مهمی در طول سده‌هایتمادی داشته‌است. گرز متشکل از دسته و سری بود که از آهن یا مفرغ تولید می‌شد و اندازه آن بین ۸ تا ۱۵ سانتی‌متر بود. دسته تقریباً ۶۰ سانتی‌متری آن از چوب سخت یا فلزی ساخته می‌شد که با چرخ تراش شکل گرفته بود (همان). جالب‌ترین شکل گرز ایرانی که سر آن به شکل

سر گاو است، در مینیاتورهای بی شماری دیده می شود و قدیمی ترین تصویر آن در مینیاتوری از آغاز سده هشتم ه.ق آمده است. اغلب گرزهای گاوسری که در مجموعه ها و موزه ها یافت می شوند متعلق به سده سیزدهم ه.ق هستند. گونه ای از این نوع، سری به شکل دیو شاخدار دارد (پوپ و اکرم، ۱۳۷۸، ج. ۶: ۲۹۷۸) (تصویر ۳).

نیزه از دیگر سلاح های سرد دوره قاجار محسوب می شود که دارای عملکرد پرتابی و کشتی است (قاسمی، ۱۳۹۶: ۲۷۹). موزه «فرنس هوپ»^۱ گونه های متعددی از سرنیزه های قاجاری را در اختیار دارد (کلینی و سانتو، ۱۳۹۴: ۸۵). «زوبین»^۲ نوعی نیزه کوتاه و سبک است که از فاصله دور به سمت هدف پرتاب می شد (تصویر ۴). بنابراین سلاحی مناسب برای نبرد از فاصله دور بوده است (قاسمی، ۱۳۹۶: ۲۷۹).



تصویر ۶: تبرزین، طول دسته: ۶۳ سانتی متر، موزه ملی کراکو (ماید، ۱۳۹۲: ۲۸۹)



تصویر ۵: کارد با غلاف، ایران، طول کلی: ۳۶/۱ سانتی متر، موزه ملی کراکو (ماید، ۱۳۹۲: ۲۹۶)



تصویر ۴: زوبین، ایران، طول: ۷۲/۵ سانتی متر، موزه هنرهای آسیای شرقی فرنس هوپ (قاسمی، ۱۳۹۶: ۲۵۰)

کارد از جمله سلاح های تیغه دار و پرنده و سلاحی یک لبه و سبک است که برای درگیری های نزدیک و تن به تن مناسب بوده است (همان: ۲۳۵). کاردهای نظامی مهمی در ایران تولید شده اند و کاردها را بدون استثنا در سمت چپ می بستند (تصویر ۵). این ها نیز مانند بسیاری دیگر از جنگ افزارها، اغلب در اصفهان تولید می شدند تا این که هجوم بی شمار کاردهای ارزان قیمت اروپایی در دهه ۱۸۷۰ تولید آن ها را کاملاً متوقف کرد (همان: ۸۵). چنین به نظر می رسد در دوره قاجار کارد نیز بر اساس الگوی اروپایی ساخته می شد، بنابراین کارد دستی اصفهانی که در مغازه ها عرضه می شد زیاد هم مرغوب نبود (عیسوی، ۱۳۶۲: ۴۳۲).

گونه های متعددی از تبرزین جنگی نیز به دسته جنگ افزارهای کوبشی و ضربتی تعلق دارند (تصویر ۶). براساس منابع مستند، جنگجویان ایرانی گرز و تبر داشتند که به زین اسب می بستند (کلینی و سانتو، ۱۳۹۴: ۸۵). تبر به اندازه گرز قدمت دارد و اساساً هم ابزار و هم سلاح بود و ظاهراً تا مدتی تفاوت عملی بین تبر کار و تبر جنگ وجود نداشت (پوپ و اکرم، ۱۳۷۸، ج. ۶: ۲۹۷۸). تبرزین های دوره قاجار نسبت به سایر سلاح ها دارای ویژگی های فرمی و زیبایی شناختی متفاوتی می باشند. در این نوع سلاح ها علاوه بر کارکرد آن ها، فرم و تزیینات نیز اهمیت می یابند. از این رو در ادامه به بررسی فرم، تزیینات و شیوه های ساخت این آثار پرداخته می شود.

۴. مطالعه تبرزین های دوره قاجار

تبرزین در ادبیات ایران نماد قدرت و شجاعت است. این سلاح در اشعار مختلف به عنوان نمادی از قدرت و توانایی برای پیروزی بر دشمنان به کار رفته است به عنوان مثال در شاهنامه فردوسی، تبرزین سلاح مورد علاقه رستم، قهرمان ایرانی معرفی شده است. برخی از ابیاتی که در آن ها به تبرزین اشاره شده، در ادامه آورده شده اند.

در شاهنامه فردوسی و در رزم کاووس با شاه هاماوران (بخش ششم) از واژه تبرزین استفاده شده است:

ز زخم تبرزین و از بس ترنگ همی موج خون خاست از دشت جنگ

(فردوسی، ۱۳۸۶: ۱۱۰)

سعدی در باب پنجم بوستان و در بخش دوم آن آورده است:

گذر کردی از مرد و بر زین زدی
(سعدی، ۱۳۸۱: ۵۵۲)

زره پوش را چون تبرزین زدی

هم چنین فردوسی در قسمت پادشاهی اشکانیان (بخش هفدهم) از این واژه در کنار گرز نام برده است:
چو لشکر سراسر برآشوفتند
به گرز و تبرزین همی کوفتند
(فردوسی، ۱۳۸۶: ۵۳۱)

در قسمت جنگ بزرگ کیخسرو با افراسیاب (بخش یازدهم) از تبرزین در کنار «خود» نام برده شده:
ز بس چاک چاک تبرزین و خود
روان ها همی داد تن را درود
(همان: ۳۵۹)

در خصوص پادشاهی بهرام گور (بخش سی و ششم) نیز از واژه تبرزین استفاده شده است:
به تیغ و تبرزین بزد گردنش
به خاک اندر افکند بیجان تنش
(همان: ۶۰۹)

همان گونه که از شواهد اشعار مشخص است در دوره های پیش از قاجار از تبرزین به عنوان یکی از جنگ افزارهای حماسی در کنار دیگر ادوات جنگی نام برده شده است. این کاربرد در دوره قاجار صورت دیگری یافته و تبرزین به سلاحی نمادین تبدیل شده است. در نگاره های صفوی مربوط به جنگ، تبرزین بیش تر در دست درویشان این دوره جای دارد. از این دوره به بعد، تبر و تبرزین تا حدودی کاربرد جنگی خود را از دست داده و بیش تر توسط درویشان استفاده شدند. در دوره قاجار تبرزین اصولاً در کنار دراویش و در نمایش آیین تصوف مشاهده می شود (قاسمی، ۱۳۹۶: ۲۶۶).

دهخدا درویشان را چنین تعریف نموده است: فقیرانی که گدایی کنند و در آن گاه به آواز خوش شعر خوانند و تبرزین بر دوش و پوست حیوانی چون گوسفند و شیر و امثال آن بر پشت دارند و موی سر دراز و آویخته و موی ریش ناپیراسته و ژولیده دارند (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۰۶۹۶). در ایران عصر قاجار، چندین دسته درویش وجود داشتند. یک دسته دکان یا محل ثابتی داشته، دسته دیگر دوره می گشتند و شعر و آواز می خواندند. دسته ای هم به صدای بلند می گریستند و گدایی می کردند. دسته ای کشکول و تبرزین در دست و پوستینی بر دوش، به نقاط دور و نزدیک سفر می کردند، دسته ای در گوشه ای عزلت، تریاک می کشیدند. اعضای دسته ای دیگر هم همه دندان های خود را کشیده و به مال و منال دنیا علاقه ای نداشتند، هیچ مذهبی نپذیرفته بودند و در بیابان و جنگل ها زندگی می کردند (دمندان، ۱۳۸۲: ۳۴۲) (تصویر ۷).



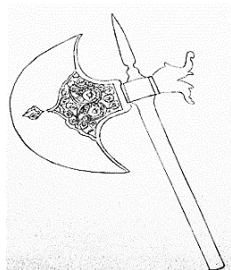
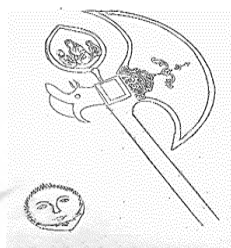
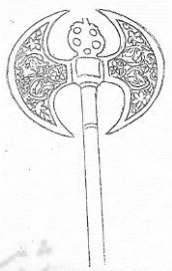
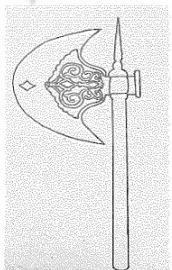
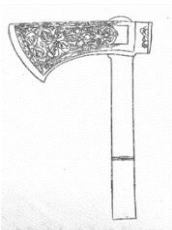
تصویر ۷: عکسی از دراویش، دوره قاجار (دمندان، ۱۳۸۲: ۱۹۴)

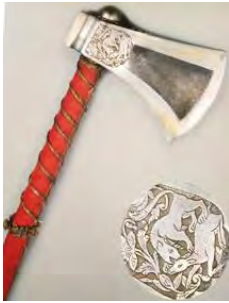
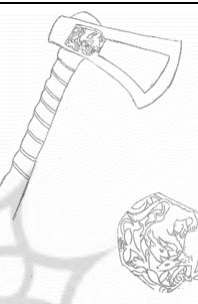
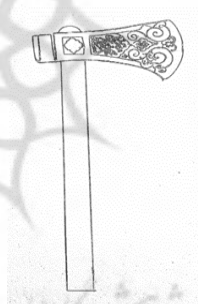
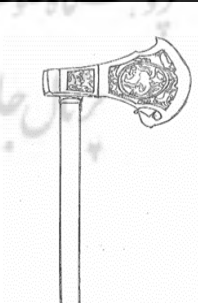
تیغه های هلالی شکل به عنوان تبر درویشی توصیف می شدند. استفاده از تبرهای هلالی توسط دراویش بیش تر در نقاشی مینیاتوری ایران و عثمانی ثبت شده است (Alexander, 2016: 231)، تبری که از فولاد خالص ساخته می شد و نشانگر ایمان لرزش ناپذیر درویش و عزم جزم وی برای جهاد در راه عدل الهی بود (کلینی و سانتو، ۱۳۹۴: ۱۳۴). بر اساس آموزه های تصوف تبرزین نماد جهاد در راه عدل خداوند محسوب می گردید که مبین جایگاه نمادین آن در آیین تصوف بوده و کاربرد آن به عنوان سلاح را در مرتبه دوم قرار می دهد.

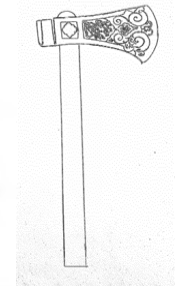
۵. بررسی نمونه های مطالعاتی

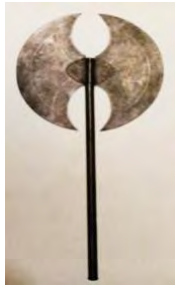
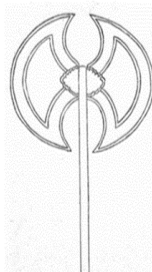
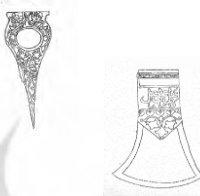
بر اساس مطالب یادشده، در ادامه با بررسی ۱۶ نمونه از تبرزین های دوره قاجار در قالب جدول (۱) به بررسی و طبقه بندی فرم، نقش و شیوه ساخت آن ها پرداخته می شود.

جدول ۱: مشخصات فنی و ظاهری تعدادی از تبرزین‌های دوره قاجار (نگارندگان)

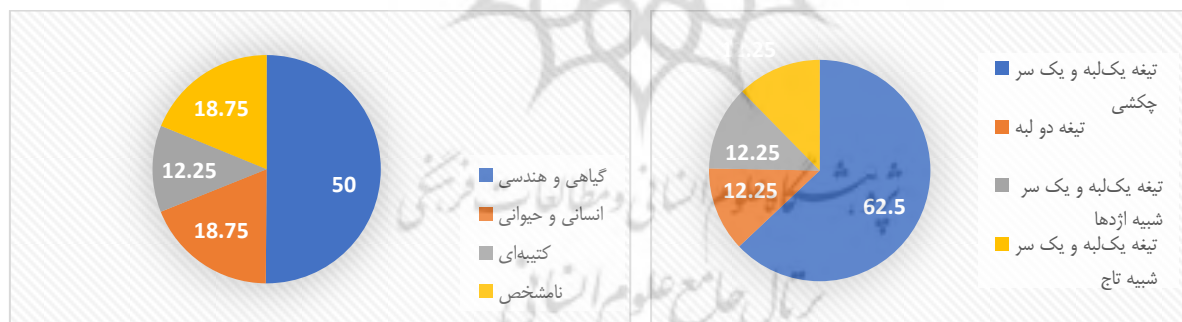
تصویر	طرح	شیوه ساخت و تزئین	فرم	نقش	مشخصات
		ریخته‌گری، حکاکي	تبرزین با تیغه یک لبه و یک سر شبيه اژدها	گیاهی، حيوانی	جنس: فولاد اندازه: ۶۳ سانتی‌متر محل نگهداری: موزه ملی کراکو (ماید، ۱۳۹۲: ۱۹۴)
		ریخته‌گری، حکاکي، طلاکوبی	تبرزین با تیغه یک لبه و یک سر شبيه اژدها	انسانی، حيوانی	جنس: فولاد اندازه: ۸۶/۵ سانتی‌متر محل نگهداری: موزه ملی کراکو (ماید، ۱۳۹۲: ۲۹۱)
		ریخته‌گری، حکاکي و تیزاب‌کاری	تبرزین با تیغه دو لبه	گیاهی، هندسی	جنس: فولاد اندازه: ۵۶/۸ سانتی‌متر محل نگهداری: موزه هنرهای آسیای شرقی فرنتس هوپ (کلنپی و سانتو، ۱۳۹۴: ۲۴۶)
		ریخته‌گری، حکاکي و تیزاب‌کاری، طلاکوبی	تبرزین با تیغه یک لبه و یک سر چکشی	گیاهی، هندسی	جنس: فولاد اندازه: ۷۷/۳ سانتی‌متر محل نگهداری: موزه هنرهای آسیای شرقی فرنتس هوپ (کلنپی و سانتو، ۱۳۹۴: ۲۴۶)
		ریخته‌گری، طلاکوبی	تبرزین با تیغه یک لبه و یک سر چکشی	گیاهی، هندسی	جنس: فولاد اندازه: ۴۰/۵ سانتی‌متر قدمت: قرن هجدهم میلادی محل نگهداری: موزه هنر متروپولیتن (Mohamed, 2008: 274)

تصویر	طرح	شیوه ساخت و تزیین	فرم	نقش	مشخصات
		ریخته‌گری، حکاکی	تبرزین با تیغه یک‌لبه و یک سر چکشی	گیاهی، هندسی	جنس: فولاد اندازه: ۵۷ سانتی‌متر قدمت: سده‌های هجدهم و نوزدهم میلادی محل نگهداری: موزه ملی کراکو (ماید، ۱۳۹۲: ۲۸۷)
		ریخته‌گری، حکاکی، طلاکوبی	تبرزین با تیغه یک‌لبه و یک سر چکشی	گیاهی، حیوانی	جنس: فولاد اندازه: ۵۸/۵ سانتی‌متر قدمت: سده‌های هجدهم و نوزدهم میلادی محل نگهداری: موزه ملی کراکو (ماید، ۱۳۹۲: ۲۸۷)
		ریخته‌گری، حکاکی، قلم‌زنی، دمشقی کاری طلایی	تبرزین با تیغه یک‌لبه و یک سر چکشی	گیاهی، کتیبه‌ای	جنس: فولاد اندازه: ۶۶/۳ سانتی‌متر قدمت: اواخر قرن هجدهم میلادی محل نگهداری: گالری هنری فریر واشنگتن (Alexander, 2016: 114)
		ریخته‌گری، حکاکی	تبرزین با تیغه یک‌لبه و یک سر چکشی	گیاهی، حیوانی	جنس: فولاد اندازه: ۶۴ سانتی‌متر قدمت: قرن هجدهم میلادی محل نگهداری: مجموعه خصوصی (Moshtagh Khorasani, 2010: 530)

تصویر	طرح	شیوه ساخت و تزئین	فرم	نقش	مشخصات
		ریخته‌گری، طلاکوبی، حکاکی	تبرزین با تیغه یک لبه و یک سر چکشی	گیاهی	جنس: فولاد اندازه: ۶۶/۳ سانتی‌متر قدمت: قرن هجدهم میلادی محل نگهداری: گالری هنری فریر واشنگتن (Mohamed, 2008 : 273)
		ریخته‌گری، حکاکی، قلم‌زنی، دمشقی‌کاری طلایی	تبرزین با تیغه یک لبه و یک سر چکشی	گیاهی، کنیبه‌ای	جنس: فولاد اندازه: ۶۶/۳ سانتی‌متر قدمت: اواخر قرن هجدهم میلادی محل نگهداری: گالری هنری فریر واشنگتن (Alexander, 2016 : 114)
		ریخته‌گری، حکاکی	تبرزین با تیغه یک لبه و یک سر شبییه تاج	نقش نامشخص	جنس: فولاد محل نگهداری: موزه قاجار تبریز
		ریخته‌گری، حکاکی	تبرزین با تیغه یک لبه و یک سر شبییه تاج	نقش نامشخص	جنس: فولاد محل نگهداری: موزه ادب و عرفان اهر
		ریخته‌گری، حکاکی	تبرزین با تیغه یک لبه و یک سر چکشی	نقش نامشخص	جنس: فولاد محل نگهداری: موزه ادب و عرفان اهر

تصویر	طرح	شیوه ساخت و تزئین	فرم	نقش	مشخصات
		ریخته‌گری، تیزاب‌کاری، حکاکی و نقره‌کوبی	تبرزین با تیغه دو لبه	گیاهی، انسانی	جنس: فولاد طول: ۱۰۸ سانتی‌متر پهنا: ۵۱/۱ سانتی‌متر قدمت: سده نوزدهم میلادی محل نگهداری: موزه هنرهای آسیای شرقی فرنتس هوب (کلن، آلمان، ۱۳۹۴: ۲۴۵)
		ریخته‌گری، دمشقی‌کاری طلایی، قلمزنی	تبرزین با تیغه یک‌لبه و یک سر چکشی	گیاهی، کتیبه‌ای	کله تبرزین، ایران جنس: فولاد اندازه: ۸/۸ سانتی‌متر قدمت: احتمالاً قرن هجدهم میلادی (Alexander, 2016: 117)

با بررسی نمونه‌های مطالعاتی مشخص می‌شود که تبرزین‌های دوره قاجار از نظر ظاهری قابلیت بررسی در دو گروه فرم و نقش را دارند. از این‌رو در نمودارهای (۱ و ۲) فراوانی فرم نمونه‌های مورد مطالعه بررسی شده و میزان فراوانی نقوش مشخص گردید.



مجله علمی-هنری صنایع ایران

دوفصلنامه علمی-هنری صنایع ایران

سال هفتم، شماره ۲، پیاپی ۱۳

پاییز و زمستان ۱۴۰۲

۲۳۵

با توجه به نمودار (۱) که نشان‌دهنده فرم تبرزین‌هاست درمی‌یابیم که می‌توان تبرزین‌ها را از نظر فرم در چهار گروه تبرزین با تیغه دو لبه؛ تبرزین با تیغه یک‌لبه و یک سر چکشی؛ تبرزین با تیغه یک‌لبه و یک سر شبه اژدها؛ و تبرزین با تیغه یک‌لبه و یک سر شبه تاج طبقه‌بندی نمود. با بررسی درصد‌های به‌دست آمده می‌توان نتیجه گرفت که بیش‌ترین فراوانی مربوط به تبرزین‌هایی با تیغه یک‌لبه و یک سر چکشی است. با بررسی نمودار (۲) که نشان‌گر نقش تبرزین‌هاست مشخص می‌شود اغلب نقوشی که مورد استفاده قرار می‌گرفته، تلفیقی بوده‌اند یعنی از نقش‌های گیاهی، هندسی، کتیبه‌ای، انسانی و حیوانی در یک اثر به‌صورت هم‌زمان استفاده گردیده‌است. در نهایت می‌توان نقوش تبرزین‌های دوره قاجار را در سه گروه طبقه‌بندی کرد: نقوش گیاهی، هندسی (شامل گل و برگ، ترنج‌ها و انواع خطوط و کادرهای هندسی)؛ نقوش کتیبه‌ای (ازجمله عبارات عربی، شعر فارسی و یا برخی عبارات فارسی شامل نام سفارش‌دهنده اثر)؛ نقوش انسانی، حیوانی (شامل پیکره‌های انسانی و

حیوانات مختلف مثل شیر، مار، و یا دو پرند که صورت آنان رو به یکدیگر است). با توجه به این طبقه‌بندی می‌توان گفت بیش‌ترین فراوانی نقوش در تبرزین‌های مورد مطالعه مربوط به نقوش گیاهی، هندسی است.

۶. نتیجه‌گیری

با توجه به شرایط و اوضاع هنری دوره قاجار، این عصر یک دوره گذار از سنت به مدرنیته برشمرده می‌شود و تحت تاثیر انقلاب صنعتی در کشورهای پیشرفته، صنایع سنتی ایران نیز دچار دگرگونی‌هایی شد. در دوره قاجار به کارگیری انواع سلاح‌های گرم و آتشین در میدان جنگ رواج چشم‌گیری یافت اما استفاده از سلاح‌های سرد نیز ادامه داشت. در این دوره از سلاح‌های سرد به‌عنوان سلاح‌های نمادین در دیگر موقعیت‌ها استفاده می‌گردید. ۱۶ نمونه تبرزین از دوره قاجار در این مقاله مورد مطالعه قرار گرفتند. در پاسخ به پرسش اصلی پژوهش، باید گفت همه آثار مورد مطالعه از جنس فولاد هستند که به شیوه ریخته‌گری ساخته شده‌اند و در تزئین آن‌ها اغلب از فنون مختلف قلمزنی، طلاکوبی، و حکاکی استفاده شده‌است. فرم تبرزین‌ها را می‌توان در چهار گروه شامل تبرزین با تیغه دو لبه، تبرزین با تیغه یک‌لبه و یک سر چکشی، تبرزین با تیغه یک‌لبه و یک سر شبیه اژدها، و تبرزین با تیغه یک‌لبه و یک سر شبیه تاج طبقه‌بندی نمود. نقوش تبرزین‌های دوره قاجار را می‌توان در سه دسته نقوش گیاهی، هندسی، نقوش کتیبه‌ای؛ و نقوش انسانی، حیوانی طبقه‌بندی کرد. در نمونه‌های مطالعاتی، اغلب از نقش‌های گیاهی، هندسی استفاده شده‌است. بنابراین مشخص می‌شود تبرزین‌های دوره قاجار علاوه بر تنوع فرمی، دارای نقوش متنوعی بوده و در ساخت آن‌ها وجوه تزئینی اهمیت داشته‌است. با مطالعه ردپای تبرزین در ادبیات ایران درمی‌یابیم تبرزین در کنار سایر ادوات جنگی به‌عنوان سلاح کاربرد داشته و این کاربرد در دوره قاجار رو به فراموشی نهاده و در این زمان تبرزین به‌عنوان ابزاری نمادین در کنار دراویش مشاهده می‌شود. در بررسی نمونه‌های پژوهش متوجه می‌شویم وجوه فرمی و نقشی تبرزین در دوره قاجار بر کاربرد این آثار برتری داشته و از این‌رو احتمالاً کاربرد آن‌ها از سلاح به نشانگر قدرت و شجاعت در آیین تصوف تغییر یافته‌است.

پانویس‌ها

۱. موزه فرنتس هوپ دربردارنده مجموعه‌ای از هنرهای مختلف از سراسر جهان است که هنرهای آسیای شرقی را نیز شامل می‌شود. آثار این موزه از دوره‌های مختلف تاریخی و از کشورهای مختلف جمع‌آوری شده‌اند.
۲. زوبین، ژوبین یا ژوبین، نیزه‌ای کوتاه و سبک است که پرتاب می‌شود.

منابع

- الکساندر، دیوید. (۱۳۸۷). ابزار آلات جنگ، جلد دوازدهم از مجموعه هنر اسلامی. ترجمه غلامحسین علی‌مازندرانی. تهران: کارنگ.
- آلن، جیمز. (۱۳۸۱). هنر فولادسازی در ایران. ترجمه پرویز تناولی. تهران: یساولی.
- پوپ، آرتور، و آکرم، فیلیس. (۱۳۸۷). سیری در هنر ایران از دوران پیش از تاریخ تا امروز. ترجمه نجف دریابندری و دیگران. تهران: علمی فرهنگی (نشر اثر اصلی ۱۹۶۴).
- دمندان، پریسا. (۱۳۸۲). هزار جلوه زندگی؛ تصویرهای ارنست هولستر از عهد ناصری. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). لغت‌نامه دهخدا. چاپ دوم. تهران: روزنه.
- سعدی، مصلح بن عبدالله. (۱۳۸۱). بوستان سعدی. تهران: آشیان.
- عیسوی، چارلز. (۱۳۶۲). تاریخ اقتصادی ایران در دوره قاجار (۱۳۳۲-۱۲۱۵ ه. ق). ترجمه یعقوب آژند. تهران: نشر گستر (نشر اثر اصلی ۱۹۷۱).
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۸۶). شاهنامه فردوسی. تهران: سوره مهر.
- قاسمی، پرستو. (۱۳۹۶). بررسی و طبقه‌بندی سلاح‌های سرد تهاجمی دوره قاجار در قالب کاربرد، فرم، نقوش و فنون تزئینی با تاکید بر نمونه‌های شاخص (پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد). دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران.
- کلینی، بلا، و ساتو، ایوان. (۱۳۹۴). هنر ایران عصر قاجار در مجموعه‌های مجارستان. ترجمه طاهر رضا زاده. تهران: فرهنگستان هنر (نشر اثر اصلی ۲۰۱۰).

مایدا، تادئوش. (۱۳۹۲). شاهکارهای هنر ایران در مجموعه‌های لهستان. ۲ جلد. ترجمه مهدی مقیسه و داوود طبایی. تهران: موسسه تالیف و ترجمه و نشر آثار هنری متن (نشر اثر اصلی ۲۰۰۲).

Alexander, D. G. (2016). *Islamic Arms and Armor in the Metropolitan Museum of Art*. Metropolitan Museum of Art.

Mohamed, B. (2008). *The Art of the Muslim Knight: The Furusyya Art Foundation Collection*. Italy: Skira.

Moshtagh Khorasani, M. (2006). *Arms and Armor from Iran: The Bronze Age to the End of the Qajar period*. Germany: Legat Verlag.

-----, (2010). *Lexicon of Arms and Armor in from Iran: A Study of Symbols and Terminology*. Germany: Legat Verlag.



صناعات
پیرهای ایران

دوفصلنامه علمی هنرهای صناعی ایران

سال هفتم، شماره ۲، پیاپی ۱۳

پاییز و زمستان ۱۴۰۲

A Study of the Form, Role, and Application of Qajari Tabarzin

Fereshte Adak

M.A. in Islamic Art, Department of Islamic art (Metal), Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran
(Corresponding Author)/ fereshtehadak95@gmail.com

Arezoo Khanpour

Assistant Professor, Department of Islamic art (Glass), Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran/
a.khanpour@tabriziau.ac.ir

Received: 12/08/2024

Accepted: 11/12/2024

Introduction

The use of metal in the manufacturing of weapons dates back to prehistoric times; however, over years, the technology used for their production and application has significantly changed. During the Qajar period, particularly due to the Industrial Revolution, firearms became more widespread, while cold weapons like Tabarzin were mainly used as symbolic, ceremonial tools. Tabarzin, as the emblem of power and social distinction, played an important role in the culture and art of this era. This article aims to examine the diversity of the forms and roles of Qajari Tabarzin and to classify their applications by studying sixteen samples of these artifacts housed in museums in Iran and around the world. The findings of this research revealed the variety of decorations, structures, and symbolic uses of Tabarzin, which can contribute to a better understanding of the cultural and social dynamics of that time while highlighting the importance of preserving and reviving this cultural heritage.

Research Method

This article is descriptive-analytic in nature and employs two methods for data collection: i.e., library study and field research. To this end, first information about Qajari Tabarzin were collected and organized from reputable sources. These sources included books, scholarly articles, and historical documents which contributed to the historical and artistic analyses of these artifacts. In the field part, sixteen Tabarzin samples from the Qajar era were purposefully gathered from museums in Iran and around the world. Data collection and observation of visual characteristics of these artifacts were conducted using note-taking tools. Additionally, the method of observing visual evidences, based on the construction techniques of these objects, was carried out in a precise and scientific manner. The combination of these approaches enabled a comprehensive analysis of the form, role, and applications of Qajari Tabarzin.

Research Findings

The findings of the examination of these samples of Qajari Tabarzin indicated that all the pieces examined in this study were made of steel. These tools, regarded as symbols of the art and culture of the era, typically employed various decorative techniques such as engraving, gold plating, carving, and hammering. The predominant method of production for most of these samples was casting, which reflected the adaptation of traditional techniques to the needs of that time and the advanced state of metallurgy during Qajar era. Based on the analyses conducted, these samples of Tabarzin can be classified into four main groups based on their form: 1) Tabarzins with double-edged blade; 2) Tabarzins with single-edged blade and a hammer-shaped end; 3) Tabarzins with single-edged blade and a dragon-shaped end; 4) Tabarzins with single-edged blade and a crown-shaped end. The data analysis revealed that the highest prevalence was associated with Tabarzin

مطالعه فرم، نقش و کاربرد
تبریزین‌های دوره قاجار،
فرشته اداک و آرزو خانپور،
۲۳-۲۲۷

featuring a single-edged blade and a hammer-shaped end. This design may indicate its significant utility and importance in daily life and social ceremonies. Additionally, the motifs on these samples of Tabarzin are often composite, incorporating various elements. These motifs included floral, geometric, inscriptional, human, and animal designs utilized simultaneously in a single piece. The diversity of these designs reflected the cultural and social influences of that time and showcased the artistic richness and aesthetics of Qajar art. Ultimately, the motifs of Qajari Tabarzin can be categorized into three main groups: 1) floral and geometric motifs, including flowers, leaves, complex patterns, and ornamental borders; 2) inscribed motifs, comprising Arabic phrases, Persian poetry, and the names of the commissioners; 3) human and animal motifs with the depictions of human figures and various animals such as lions and snakes. According to these findings, it can be concluded that the most prevalent motifs in the studied samples of Tabarzin belong to the floral and geometric categories, reflecting the artistic and cultural tastes of that time. These results highlight the close connection between art, culture, and society during the Qajar era.

Conclusion

Considering the artistic and social conditions of the Qajar period, this era is described as a transitional phase from tradition to modernity. Influenced by the Industrial Revolution in the West, traditional Iranian industries also underwent significant transformations. During this period, the use of firearms in warfare became prevalent; however, cold weapons, including Tabarzin, continued to be utilized as a symbolic weapon in various contexts. In this article, sixteen samples of Tabarzin from the Qajar period have been examined. All of these pieces are made of steel and were constructed using the casting method. Various techniques such as engraving, gold plating, and carving were typically employed for their adornment and decoration. These samples have been classified into four main groups: those with double-edged blade, with single-edged blade and hammer-shaped end, those with single-edged blade and dragon-shaped end, and finally those with single-edged blade and crown-shaped end. The motifs on these samples of Qajari Tabarzin can be categorized into three main groups: floral and geometric, inscribed motifs, and human and animal motifs. In these examples, floral and geometric motifs have been predominant, indicating a focus on decorative and artistic aspects in the creation of these works. By investigating the influence of Tabarzin in Iranian literature and its application as a weapon, we find that during the Qajar period, Tabarzin was regarded as a symbolic tool representing power and courage in the context of Sufism. Overall, the form and motifs of Tabarzin in this period have overshadowed their primary functional use, reflecting a transformation in the social and cultural significance of Tabarzin in Iran.

Keywords: Qajar metalwork, Qajari Tabarzins, Form and motif of Tabarzin, Cold weapon, Qajar weapons.

مجله هنرهای صنعتی ایران

دوفصلنامه علمی هنرهای صنعتی ایران

سال هفتم، شماره ۲، پیاپی ۱۳

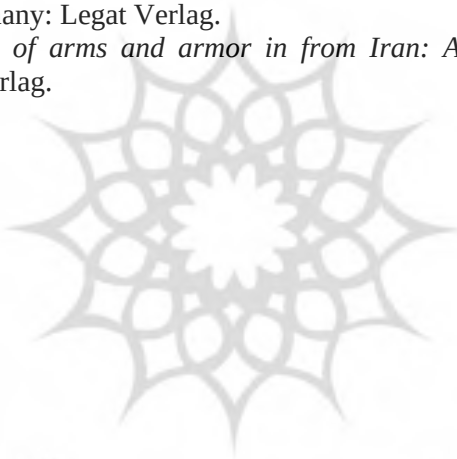
پاییز و زمستان ۱۴۰۳

۲۳۹

References

- Alexander, D. (2008). *Weapons and tools of war, Volume 12 of the Islamic Art Series*. (Gh. H. Ali Mazandarani, Trans.). Tehran: Karang [In Persian].
- (2016). *Islamic Arms and Armor in the Metropolitan Museum of Art*. Metropolitan Museum of Art.
- Allen, J. (2002). *The art of steelmaking in Iran*. (P. Tanavoli, Trans.). Tehran: Yasavoli [In Persian].
- Pope, A, & Ackerman, P. (2008). *A survey of persian art from prehistoric times to the present*. (N. Daryabandari et al., Trans.). Tehran: Elmi va Farangi (Original work published 1964) [In Persian].
- Damandan, P. (2003). *A thousand aspects of life: Images by Ernst Holster from the Naseri era*. Tehran: Cultural Heritage Organization of Iran [In Persian].
- Dehkhoda, A. (1998). *Dehkhoda dictionary* (2nd Edition). Tehran: Rouzaneh [In Persian].

- Saadi, M (2002). *The Gulistan of Sa'adi*. Tehran: Ashiyan [In Persian].
- Isavi, Ch. (1983). *The economic history of Iran during the Qajar period (1332–1215 AH)*. (Y. Azhand, Trans.). Tehran: Gostar Publications (Original work published 1971) [In Persian].
- Ferdowsi, A. (2007). *The Shahnameh of Ferdowsi*. Tehran: Sooreh Mehr [In Persian].
- Ghasemi, P. (2017). *An examination and classification of offensive cold weapons of the Qajar era based on application, form, patterns, and decorative techniques with emphasis on representative examples* (Unpublished Master's Thesis). Faculty of Literature and Humanities, Shahrekord University. Shahrekord, Iran [In Persian].
- Kelenyi, B, & Szanto, I. (2015). *Artisans at the crossroads : Persian arts of the Qajar Period (1976-1925)*. (T. Rezazadeh, Trans.). Tehran: Academy of Art (Original work Published 2010) [In Persian].
- Majda, T. (2013). *Masterpiece of Persian art from polish collections* (2 Vol.). (Mehdi Maghiseh & D. Tabaei, Trans.). Tehran: Institute for Compilation, Translation, and Publication of Artistic Works (Original work published 2002) [In Persian].
- Mohamed, B. (2008). *The art of the Muslim knight: The Furusyya art foundation collection*. Italy: Skira.
- Moshtagh Khorasani, M. (2006). *Arms and armor from Iran: The Bronze age to the end of the Qajar period*. Germany: Legat Verlag.
- (2010). *Lexicon of arms and armor in from Iran: A study of symbols and terminology*. Germany: Legat Verlag.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مطالعه فرم، نقش و کاربرد
تبریزین های دوره قاجار،
فرشته اداک و آرزو خانپور،
۲۴-۲۲۷